

آموزش فا در سال ۲۰۰۲ در کنفرانس تبادل تجربه در فیلادلفیا در امریکا

لی هنگجی، ۳۰ نوامبر ۲۰۰۲

دروود بر همه!

" در دو طرف ساحل فریاد گوش خراش میمون‌ها پایانی ندارد، در حالی که قایق سبک‌بال من به آرامی از کنار هزاران صخره می‌گذرد." ^۱ (تسویق گرم) اهریمن از تمام نیرنگ‌های خود استفاده کرده و مریدان دافا ضمن تحمل سختی‌ها رشد کرده‌اند. ما از اندیشه‌های اهریمن برای استفاده از نیرنگ‌های بیشتر نمی‌هراسیم. تعقیب و آزار دافا و مریدان دافا بیشتر از سه سال است که ادامه داشته و قبل از این که انسان متوجه شود وارد چهار سال می‌شود. در طی این دوره بسیاری از مریدان دافای ما، مخصوصاً مریدان دافا در چین در معرض تعقیب و آزار بدخواهانه قرار گرفته‌اند که به راحتی می‌شود گفت مانند آن وجود ندارد. دقیقاً در میان هراسی که بوسیله‌ی دروغ و فریب بوجود آمد، مریدان ما تعقیب و آزار را تحمل کرده‌اند، که به‌سادگی می‌شود گفت بسیار کینه‌توزانه بود، ولی آنها در طی این سه سال از عهده‌ی آن برآمده‌اند. این بی‌نظیر است! انسان‌های معمولی قادر نیستند از عهده‌ی آن برآیند.

شما می‌دانید اگر آنها در چین بخواهند اعتبار کسی را ضایع کنند، یا اگر بخواهند با کسی ظالمانه رفتار کنند، حتی اگر مربوط به رئیس کشور هم باشد بیشتر از سه روز طول نمی‌کشد که آن شخص را سرنگون کنند. البته، من نمی‌گویم که بدن مریدان دافا از الماس یا فولاد ساخته شده است. به عبارت دیگر، دلیل آن این است که آن انسان‌های بدنهاد کلاً به هیچ‌وجه نمی‌توانند تزکیه‌کنندگان را درک کنند و تمام نیرنگ‌هایی را که در طول تاریخ آموخته‌اند و وسایلی که از آنها برای تجاوز به حقوق انسان‌ها استفاده کرده‌اند فقط در مورد انسان‌های معمولی می‌تواند کارگر باشد. آن به‌طور کلی در مورد تزکیه‌کنندگان که دلبستگی‌های دنیوی را رها می‌کنند بی‌ثمر است.

البته، خیلی از مریدان ضمن تزکیه‌کردن هنوز هم روش‌های فکری انسان‌های معمولی را کم و زیاد داشته‌اند و کسانی وجود داشته‌اند که در مطالعه‌ی فا کوشا نبوده‌اند. به‌علاوه، مانند بسیاری از مریدان جدید که به‌تازگی شروع به تمرین کرده‌اند، وقتی آنها ناگهان درمقابل این ترور اهریمنی قرار می‌گیرند، یک حمله یا یک فشار به‌سادگی در آنها مؤثر است. آن برای مریدانی که افکار قوی انسانی دارند واقعاً ترسناک است. آن طرز تفکر انسانی، این دسته از مریدان را مدتی سردرگم کرد و آنها در واقع متوجه نشدند که جریان چه بود و از چه قرار بود. اما پس از زمانی، بعد از این که خودشان با آرامش در مورد مسائل اندیشیدند، فکر کردند، "برای چه من دافا را مطالعه می‌کنم؟" "آیا فالون دافا واقعاً چیز خوبی است؟" "لی هنگجی واقعاً چه نوع شخصی است؟" بسیاری در مورد این مسائل آرام و سنجیده اندیشیدند و نتیجه‌ی تفکر آرام این شد که وقتی آنها آماده‌تر شدند با خود گفتند، "آنچه ما مطالعه می‌کنیم یک فای راستین است و هیچ مورد اشتباهی در جن - شن - رن که ما تزکیه می‌کنیم وجود ندارد. و بیشتر و بیشتر توانستند متوجه شوند که تمام روش‌هایی که آن انسان‌های شرور در این تعقیب و آزار استفاده کرده‌اند دروغ و افترا بود و مجموعه‌ی کاملی از شیطنت را نشان می‌داد. حتی یکی از آنها هم حقیقت نداشت و تمام آنها توطئه بود.

پس هدف از این تعقیب اهریمنی چه بود؟ آیا برای حفظ رژیم بود؟ در حقیقت اصلاً این‌طور نیست. گفتن این که فالون گونگ تهدیدی در مقابل رژیم چین است دروغ بزرگی است که بوسیله‌ی اهریمن منتشر شد. بسیاری از انسان‌ها از من و مریدان من در این مورد سؤال کرده‌اند که، "واقعاً چرا این چیز در حال اتفاق افتادن است؟" آن فقط حسادت

یک دلچک است. برای این که قدرت در دستانش دارد، می‌تواند مرتکب چنین اعمالی شود. آن حقیقتاً به‌نظر مسخره می‌آید، یا شاید باور کردنش مشکل باشد، چگونه چنین چیزی می‌تواند برای بشریت اتفاق بیفتد، درست نیست؟ ولی آن واقعاً اتفاق افتاده است. این تعقیب و آزار اتفاق افتاده، هر چند که غیرعقلانی به‌نظر می‌رسد، برای این که این دلچک با حسادتِ تغییر ماهیت داده‌ی خود، زیاده‌روی می‌کند. آن دلیل اصلی است. آن واقعی‌ترین دلیلی است که ما در این جامعه‌ی انسانی آن‌را می‌بینیم.

اما از چشم‌اندازی دیگر، یک شخص درحقیقت توانایی انجام دادن کار با اهمیتی را ندارد. آنچه معمولاً اتفاق می‌افتد این است که افکار ناشایست شخصی در بُعد دیگر، با موجودات پلید برخورد می‌کند و سپس موجودات پلید از افکار ناپسند او برای رفتن و انجام دادن کارهای ناشایست استفاده می‌کنند. و به این صورت این موجودات پلید به اهداف خود جامعه‌ی عمل می‌پوشانند و طرح‌های خود را به وسیله‌ی ارضاء آرزوهای ناشایست افکار آنها پیاده می‌کنند. واقعاً منشاء تفکر انسان‌ها از کجاست؟ حالا دانشمندان عقیده دارند که تراوش افکار انسان از مغز او نیست. پس واقعاً منشاء افکار انسان‌ها از کجاست؟ همه فکر می‌کنند از مسائلی است که آنها در جامعه‌ی معمولی فرا گرفته‌اند و توسط درک منطقی خودشان بوجود آمده است. اما عملکرد آن به این صورت نیست. وقتی یک انسان معمولی درباره‌ی انجام دادن مسئله‌ای می‌اندیشد، در حقیقت مغز او به آن مسئله در زمانی طولانی فکر نکرده و مسائل زیادی فقط در یک چشم به‌هم زدن به بیرون می‌تراود و فقط تعداد زیادی کلمه بوسیله‌ی زبان بیرون می‌آید. پس فکرها دقیقاً از کجا می‌آیند؟ ما تزکیه‌کنندگان همه می‌دانیم که ارتباطی میان ذهن یک شخص و فاکتورهایی در بُعدهای مختلف وجود دارد، و وقتی به مسائل بزرگ‌تری ارتباط پیدا می‌کند، انسان کارها را تحت کنترل موجودات دیگر انجام می‌دهد. و او فقط مسائل را اینجا با شرایط دنیای بشری انجام می‌دهد، همه‌ی آن همین است. سطح بدن انسان، آن بدنی که پس از تولد، شکل گرفته در کل چیزی نیست.

زمانی که در مورد بدن انسان صحبت می‌کردیم من مسائلی را در موقعیت‌های انتخاب شده تعریف کرده‌ام. اما مجموعاً در اجتماع به‌طور گسترده‌ای در مورد آن صحبت نکرده‌ام. دلیلش این است که فایبی که من امروز اشاعه می‌دهم فای کائنات است، اصلاح- فای، دنیا را اصلاح می‌کند و مریدان دافا همزمان با اصلاح- فای وجود دارند، پس من نمی‌توانم در مورد آن مسائل مشخص یا موقعیت‌های ویژه که در جامعه بیشتر از همه به‌خصوص هستند، یا در سطحی پایین، یا فقط در مورد آنهایی که در داخل دنیای سه‌گانه هستند صحبت کنم. این مسائل را در فای کائنات نمی‌توان توضیح داد. برای همین، در مورد آنها چیزی نگفته‌ام. در مورد این مسائل فقط در موقعیت‌های انتخاب شده‌ی نادری صحبت کرده‌ام.

البته انسان‌ها سه جان و هفت روح دارند و غیره، سپس دو عامل کالبد حقیقی انسانی و آنچه که پس از تولد، توسط پدر و مادر در اختیار گذاشته شده وجود دارند- این عامل‌ها که یک موجود انسانی را تشکیل می‌دهند در بُعدهایی که توسط چشم‌های برهنه غیرقابل رؤیت هستند وجود دارند. موادی که افراد عادی از طریق تغذیه می‌خورند باعث رشد و بزرگ‌تر شدن تدریجی بدن‌شان می‌شود. انسان‌ها آن را رشد می‌نامند. این جسم انسانی پس از تولد در بُعد مادی انسان‌های معمولی شکل می‌گیرد و بعد در طول زندگی، او پیر شده و خواهد مرد و از بین رفته و به ماده تبدیل می‌شود. به بیانی دیگر جسم یک انسان معمولی که پس از تولد شکل گرفته، فقط یک وسیله‌ی نقلیه است و تنها چیزی که می‌تواند در مغز بدن فیزیکی یک انسان وجود داشته باشد- به اصطلاح تفکر- در واقع عقاید و تصورات ظاهری شکل گرفته شده توسط تجربیات جمع‌آوری شده در طول فرآیند رشد است، افکار واقعی بدن فیزیکی چیزی بیش از این نیستند. اما خود عقاید و تصورات از خردمندی تشکیل نشده‌اند، آنها ناقص، سازمان داده نشده و پرت و پلا هستند. بنابراین وقتی که شخصی ضمیر خودآگاه اصلی‌اش را رها می‌کند، تفکرش عقلانی نخواهد بود- آن از اینجا به آنجا خواهد پرید، آن از محلی به محل دیگر بدون هیچ ارتباطی این سو و آن سو می‌رود. او نمی‌داند که چه می‌گوید یا این که سعی دارد چه کاری انجام دهد. زیرا او مضمونی را برای ربط دادن تمام آن‌ها به یکدیگر ندارد و چیزهایی را که

پس از تولد شکل گرفته شدند آشکار می‌کند. بنابراین وقتی شخصی ضمیر خودآگاه اصلی‌اش را رها می‌کند نه تنها عقاید و تصورات، بلکه هرگونه اطلاعات خارجی نیز می‌تواند مزاحم شود. برای همین است که انسان‌ها می‌گویند او مشکل روانی دارد.

بنابراین این بدین مفهوم است که در این تعقیب و آزار، چیزی که در این دنیای بشری آشکار می‌شود این است که حسادت ناپسند شخص شریر نسبت به دافا بوسیله‌ی موجودات پلید بُعدهای دیگر به کار برده می‌شود، موجودات پلید بُعدهای دیگری که از این دلک بدطینت برای بوجود آوردن چنین حادثه‌ی شرم‌آور بی‌نظیر بزرگی استفاده می‌کنند- آن تعقیب و آزار کردن غیرمنطقی پلید مریدان دافا. همه‌ی آن دستاویزهایی که برای در تنگنا قرار دادن ما بهانه کرده‌اند، دروغ‌های جعل شده هستند. ماشین‌های تبلیغاتی جامعه همگی زیر نظر این قدرت هدایت می‌شوند و آنها مقدار بی‌نهایت زیادی دروغ‌های توهین‌آمیز میان مردم چین و انسان‌های نقاط دیگر جهان منتشر کرده‌اند. با وجود مغرضانه بودن آن، مریدان دافا ضمن تحمل سختی‌ها رشد کرده و متوجه شده‌اند که این‌ها برای چیست، بدین جهت ذهن‌شان بیشتر و بیشتر باز شده و بهتر آگاه می‌شوند. در آغاز تعدادی از مریدان هنوز خود را از قسمتی از وابستگی‌های انسانی رها نکرده بودند و نتیجه‌اش آن شد که آنها نتوانستند به ماهیت واقعی اهریمن پی ببرند و بخاطر این که فکرهای صالح و درست آنها به اندازه‌ی کافی قوی نبود، پس آنها بطرف وابستگی‌های خود کشیده شدند و بنابراین جنبه‌ای از آنها که فاقد عقل هوشیار بود نمایان شد. اما از طریق این تعقیب و آزار، مریدان دافا به سرشت باشکوه تزکیه کردن پی بردند و این باعث شد که شما واقعاً اهریمن را به روشنی تشخیص دهید و در نهایت قادر باشید که به خوبی انجام دهید- به خصوص مریدان دافا در چین که بیشتر و بیشتر ضمن تحمل فشارها پخته‌تر شده‌اند. حالا وقتی مریدان دافا در آن تعقیب بدخواهانه دستگیر می‌شوند دیگر مثل آن اوایل به این سادگی نیست که آن‌ها را وادار کنند از میان به اصطلاح تغییر مسخره بگذرند. چه چیزی را "ندامت" می‌نامید؟ کدام تغییر دادن؟ تغییر دادن به چه؟ آنها همه دارند انسان‌های نیک می‌شوند، بهترین انسان‌های دنیا می‌شوند و انسان‌های خوبی ورای انسان‌های معمولی می‌شوند. پس سعی می‌کنید آنها را به چه تغییر دهید؟ چه چیزی را تغییر می‌نامید؟ اهریمن واقعاً انواع مسائل زننده را انجام می‌دهد. مدت‌ها پیش این‌را گفتم که: هر چیزی که به نیکی تجاوز کند باید پلید باشد.

مهم نیست چه کاری، آن موجودات پلید کارها را با بدترین انگیزه انجام دادند، اما قدرت‌های کهن که اهریمن را زیر نفوذ خود گرفته‌اند نیز انگیزه‌های خود را دارند. انگیزه‌های آنها چیست؟ چنین به نظر می‌آید که آنها از آن موجودات خبیث برای این که در مورد مریدان دافا و دافا پلیدی کنند استفاده می‌کنند تا با هدفی برنامه‌ریزی شده بگذارند که مریدان دافا ضمن تحمل سختی‌ها رشد کنند و کسانی را که لیاقت ندارند مرید دافا باشند حذف کنند. و سپس آن موجودات پلید را برای گناهایی که در مقابل مریدان دافا مرتکب شده‌اند از بین ببرند و کائنات را پاک کنند. آن چیزی است که قدرت‌های کهن برنامه‌ریزی کرده‌اند. به نظر خیلی شریفانه می‌آید، مگر نه؟ اما این‌طور نیست! هدف واقعی این است که آنها در این میان، چیزی را که می‌خواهند بدست بیاورند. این تزکیه کردن در داخل محدوده‌ی کوچکی نیست، این دستخوش اصلاح- فا شدن کائنات است. نسبت به اصلاح- فا، همه چیز جزئی و بی‌اهمیت است، هیچ چیزی را نمی‌توان مقایسه کرد و وضعیت‌های داخل تزکیه‌ی شخصی، در حال حاضر نمی‌توانند با اصلاح- فا مورد مقایسه قرار گیرند. اهمیتی ندارد که تا چه اندازه سطح یک موجود در میان قدرت‌های کهن بالاست، هر کسی نتواند این ارتباط را به خوبی مستقر کند، در خطر خواهد بود و ضمن اصلاح- فای کائنات پاک‌سازی خواهد شد، به طوری که موجودات بی‌شماری که بر زمین افکنده شدند از سطوح خیلی بالایی بودند. هراس‌انگیزتر از همه این است که قدرت‌های کهن در حالی که در این مسئله شرکت کردند، در هر سطحی نظم و ترتیب داده‌اند که، آنها را که در یک سطح بلافاصله پایین‌ترشان قرار دارند از بین ببرند. آنها آن را انجام دادند چون می‌دانستند موجوداتی که مستقیماً مسائل ناشایستی را انجام داده‌اند غیرممکن است که بتوانند تاوان گناهایی را که ضمن این حادثه‌ی پلید در مقابل دافا مرتکب شده‌اند بپردازند.

حقیقت در سطوح بالاتر متوالی، تغییر می‌کند. از دید آنهایی که از سطحی به یک سطح پایین‌ترشان می‌نگرند، آنهایی که برنامه‌ریزی کردند که به اصطلاح به دافا کمک کنند همگی گناه‌کار هستند، این دلیل آن است که چرا آنها قصد دارند آنهایی را که در اصلاح- فا در حال دست‌کاری و کنترل هستند از بین ببرند، زیرا آنها هم بر طبق سنجش حقیقت سطح بالاتر، نسبت به دافا مرتکب گناه شده‌اند. اما نمی‌دانند که، آنهایی هم که یک سطح بالاتر از خودشان قرار دارند به آنها به همان صورت می‌نگرند و قصد دارند آنها را نیز به همان شکل به‌زمین افکنند. بنابراین آن قدرت‌های کهن به‌طور پیوسته هر سطحی را که دقیقاً یک سطح پایین‌تر از آنها قرار گرفته‌اند از بین می‌برند. اما آن چیزی نیست که من می‌خواهم. هیچ موجودی استحقاق شرکت در این را ندارد، اما آنها با انگیزه‌ی خودشان شرکت کرده‌اند. اما من مرتباً به آنها فا را آموزش داده‌ام و در مورد این مسائل برای آنها تعریف کرده‌ام. من با تمام آن موجودات ذی‌شعور یکسان رفتار می‌کنم. البته آن قدرت‌های کهن به آن چیزی که می‌خواهند انجام دهند و آنچه که می‌خواهند به‌دست آورند وابسته هستند. آنها این مسائل را مطلقاً بی‌رحمانه انجام می‌دهند، آنها این مسائل را درحالی که زیر نفوذ موجودات بالاتر از خود هستند انجام می‌دهند، به‌طوری که تمام آن قدرت‌های کهن در انتها به‌طور کامل توسط خودشان از بین خواهند رفت.

چیزی که من می‌خواستم این بود که هیچ موجود زنده‌ای مزاحم اصلاح- فا نمی‌شد، یا حتی در کل در آن شرکت نمی‌کرد. در طول اصلاح- فا وقتی از نقطه‌ی ابتدایی، پایین‌ترین نقطه شروع می‌کنم و به‌سوی بالا فا را اصلاح می‌کنم، برای همه‌ی موجودات -- بدون توجه به این که چقدر بد بودید یا چه اندازه در طول تاریخ گناه کرده‌اید -- نخواهم گذاشت که پاسخ‌گوی اشتباهات گذشته‌ی خود باشید. از میکروسکوپی‌ترین نقطه تا سطحی‌ترین نقطه‌ی وجود شما، یا روش فکر کردن هر موجود، شروع خواهم کرد و همه را پاک خواهم کرد. اصلاح کردن در امتداد مسیری از پایین تا بالا، آن بهترین راه‌حل خیرخواهانه است و حتی یک موجود هم سقوط نخواهد کرد، حتی یک موجود هم در مقابل دافا در این اصلاح- فا مرتکب گناه نخواهد شد. چقدر فوق‌العاده می‌بود. اما نه، آنها در انجام دادن این پافشاری می‌کنند و این فاجعه را در جامعه‌ی انسانی ایجاد می‌کنند.

به‌عنوان مریدان دافا، ما مخالف این تعقیب و آزار هستیم. به‌عنوان استاد شما، این مسئله را نمی‌پذیرم و من تمام این برنامه‌هایی را که قدرت‌های کهن طرح‌ریزی کرده‌اند تأیید نمی‌کنم. اما قدرت‌های کهن حتی بیشتر جنون‌آمیز شده‌اند، به‌طوری که بعضی اوقات فقط آن موجودات بدطینت نیستند که در این تعقیب و آزار شرکت می‌کنند بلکه حتی اغلب بعضی از موجودات والا هم در میان آن قدرت‌های کهن به چشم می‌خورند. ضمن اصلاح- فا، تمام موجودات راهی را که می‌خواهند بروند خودشان انتخاب می‌کنند. مسئله‌ای که واقعاً تمام موجودات در مقابلش قرار دارند آینده‌ای است که خودشان در حال انتخاب آن هستند.

همان‌طور که متوجه شده‌اید آنها تمام نیرنگ‌های خود را در این تعقیب و آزار به‌کار برده‌اند و مریدان دافا ضمن تحمل سختی‌ها رشد کرده‌اند. فرقی نمی‌کند در داخل یا خارج از چین باشد، اگر چه هنوز هم بسیاری از موجودات وجود دارند که کلاً توسط تبلیغات اهریمن گمراه شده‌اند پس دیگر مجموعاً در بُعدهای دیگر تعادلی بین قدرت پلیدی و قدرت راستی وجود ندارد. در این ارتباط، مزیت کفه‌ی قدرت راستی بیشتر است. آن موجودات پلید به نقطه‌ای رسیده‌اند که قادر نیستند از خودشان دفاع کنند. ممکن است انسان‌های شریر در این دنیا بسیار اهریمنی به‌نظر برسند، اما آن به‌طور کلی فقط برنامه‌ای است که توسط آن قدرت‌های کهن ریخته شده است. من قبلاً گفته‌ام که اهریمن تعقیب و آزار را حتی تا پایان راه تمام نخواهد کرد. حتی اگر مسئله، فردا پایان بی‌پذیرد پس اهریمن به‌هرصورت هنوز هم امروز کارهای ناشایست را انجام می‌دهد. آن تا وقتی که فا کیهان را اصلاح نکرده است به همین صورت است. بدون اصلاح- فا، آن به‌خودی‌خود درست نمی‌شود-- چگونه بدون اصلاح- فا آن می‌تواند خوب شود؟ سم فقط سمی است، اگر شما بخواهید که سمی نباشد آن عملی نیست. اگر شما بدین صورت به آن توجه کنید پس ما نباید هیچ‌گونه خیال باطلی در رابطه با آن قدرت‌های پلید و انسان‌های شریر که دافا را آزار و اذیت می‌کنند داشته باشیم.

اخيراً بسیاری از مریدان فکر کردند: "حزب کمونیست چین می‌خواهد شانزدهمین کنگره‌ی خود را به‌زودی برگزار کند. اگر این سردهسته‌ی اهریمن در چین، این مایه‌ی ننگ نژاد بشر، برکنار شود، آیا نام نیک دافای ما نباید دوباره برقرار شود؟ چه کسی می‌خواست وارث آن مسئولیت باشد و چه کسی به اندازه‌ی آن نادان می‌بود؟" این طرز تفکر در این جامعه‌ی معمولی اشتباه نیست، اما در ارتباط با یک تزکیه کننده صحیح نیست. با این دافایی که وجود دارد، چگونه بسیاری از خدایان بزرگ‌منش آینده و مریدان بزرگ‌منش دافا که ضمن تزکیه کردن دافا ساخته و پرداخته شده‌اند توانستند به یک انسان معمولی امید ببندند؟ آیا ما به خود اهانت نمی‌کنیم؟ آیا انسان‌ها می‌توانند سرنوشت خدایان را کنترل کنند؟ اما مریدان دافای بسیاری داریم که به این صورت فکر می‌کنند. مسئله زیاد مهم نیست اگر یک یا دو نفر به آن صورت فکر کنند، آن فقط مسئله‌ای در مورد تزکیه‌ی شخصی آنها است. اما اگر همه به آن صورت فکر کنند، چه موقعیتی با یک گروه بزرگ‌تری از مریدان دافا پیش می‌آید؟ آن یک مزاحمت و وابستگی جدی است. آن نمی‌تواند اجازه داده شود. من دیدم و آن قدرت‌های کهن نیز آن‌را دیدند. قدرت‌های کهن فکر کردند "کمی صبر کن، این دیگر چیست؟" پس آنها کاری کردند که نتیجه‌ی شانزدهمین کنگره‌ی حزب کمونیست چین بدتر شود.

قبلاً گفتیم که تمام مسائلی که امروزه در جامعه‌ی معمولی اتفاق می‌افتد حاصل فکرهای مریدان دافا است. اگر چه آن قدرت‌های کهن واقعاً وجود دارند، اما اگر شما آن ذهنیت را نداشته باشید، پس آن، این ترفند را برای اجرا نخواهد داشت. وقتی افکار درست شما به اندازه‌ی کافی قوی باشد قدرت‌های کهن نمی‌توانند کاری از پیش ببرند. اگر کسی در جامعه‌ی معمولی واقعاً از نام دافای ما اعاده‌ی حیثیت کند به مسئله بیندیشید، شاید انسان‌ها این را انجام دهند اما به این فکر کرده‌اید که این شخص را در چه موقعیت بالایی باید قرار دهیم؟ آیا درست نیست؟ شما تزکیه کننده هستید و تمام تغییرات بوسیله‌ی تزکیه‌ی شما و اصلاح- فاجعه انجام می‌شود؛ تمام مسائلی که خودتان اعتبار بخشیده‌اید و به آن روشن بین شده‌اید و تمام چیزهایی که به دست خواهید آورد، تمام این‌ها در مسیری که شما خودتان قدم برمی‌دارید ایجاد می‌شود. مطلقاً به خدماتی که قدرت‌های کهن بتوانند برای ما انجام دهند یا این که جامعه‌ی معمولی بتواند به ما کمک کند فکر نکنید. این شما هستید که انسان‌های جامعه‌ی معمولی را نجات می‌دهید و شما هستید که موجودات ذی‌شعور را نجات می‌دهید!

خواه مورد تعقیب و آزار واقع شده‌اید یا در جامعه‌ی معمولی زیر فشار دشواری‌ها بوده‌اید، مشکل است که از متأثر شدن از افکار انسان عادی اجتناب کرد، بنابراین بعضی از فکرهای معمولی انسانی ظاهر می‌شوند، اما زیاد به آن نیندیشید. مریدان اصلاح- فاجعه آزار و اذیت به این مرحله رسیده و دافا اکنون تا این مرحله در اصلاح- فاجعه پیش رفته است، چه چیزی وجود دارد که ما هنوز هم از آن بترسیم؟ آیا شما هم‌اکنون آینده‌ی خود را به‌طور واضح ندیده‌اید؟ پس وقتی به آن موجودات پلید و برنامه‌ریزی آنها مربوط می‌شود، تا زمانی که افکار صالح شما به اندازه‌ی کافی قوی باشد، می‌توانید در مقابل آنها ایستادگی کنید، آنها را کنار زده و ناامید سازید. اما وقتی شما در میان انسان‌های معمولی در مقابل این مسائل قرار دارید، اگر چه اندیشه‌های مختلفی در مورد مسائل و موارد داشته‌اید و حتی ما شاید افراد زیادی با آگاهی‌های متفاوت داشته‌ایم که قسمتی از افکار انسانی آنها نمایان شده است، پس آن غیرمنتظره نیست. به‌خاطر این است که در روند تزکیه و رشد کردن، این مسیر اعتبار بخشیدن شما به دافا، نجات دادن موجودات ذی‌شعور و رفتن به سوی کمال نهایی، واقعاً دشوار است. نکته‌ی کلیدی این است که بعد از این که چیزی را متوجه شدید، هر قدم را به‌خوبی بردارید.

گفته‌ام که تمام موجوداتی که دافا را مورد آزار و اذیت قرار نداده‌اند می‌توانند راه‌حل نیک‌خواهانه‌ای پیدا کنند. اما به‌نظر من اگر تمام موجودات کائنات بسیار خوب بودند دیگر احتیاج به اصلاح- فاجعه نمی‌بود. قطعی بود که آنها ظاهر می‌شدند، فقط مسئله این بود که چه شکلی به خود می‌گرفتند. بنابراین آن مسئله آزمایشی را برای مریدان دافای ما ایجاد کرد. همین و بس. این یک نوع جلوه‌گری طبیعی است، اما این شکل از برنامه‌ریزی قدرت‌های کهن، این برنامه‌ریزی دقیق، این برنامه‌ریزی سیستماتیک که از بالا تا پایین امتداد دارد، سابقه‌ای ندارد. این رنج بسیار بزرگ

واقعاً خیلی عظیم است، آنچه شما تجربه و درک می‌کنید فقط جلوه‌ای در جامعه‌ی انسان‌ها است، اما چیزی که من می‌بینم این است که آن برای موجودات کل عالم به‌طور عمیقی تکان دهنده است. شاید بشریت آنچه را که من می‌گویم متوجه نشود، اما وقتی آن نمایش را ببیند، آنجایی که سیارات عالم بازسازی دوباره‌ی خودشان را می‌گذرانند و آن به سطح راه شیری ما برسد، پس همه چیز را باور خواهند کرد. (تشویق)

همان‌طوری که اخیراً گفتم، در طی تمام دوره‌ی اصلاح-فا، میدان دافا به‌طور کلی خیلی خوب انجام داده‌اند و از طریق تحمل سختی‌ها بیشتر و بیشتر رشد کرده‌اند. بدون توجه به این که میدان دافا در طول اعتباربخشی به فا، برای نجات موجودات ذی‌شعور از چه روشی استفاده می‌کنند و بدون در نظر گرفتن این که شما چه اندازه کمک می‌کنید، یا از چه شیوه‌ای استفاده می‌کنید -- شما فا را اعتبار می‌بخشید و در مسیر آشکار کردن حقایق به پیش می‌روید و بهتر و بهتر و با خردمندی بیشتر و بیشتری عمل می‌کنید. به عنوان میدان دافا با یکدیگر بهتر و بهتر همکاری می‌کنید. شاید بسیاری از میدان ما قبلاً این را تجربه کرده‌اند که زمانی که میدان دافا کاری را باهم انجام می‌دهند بحث می‌کنند و غالباً پرخاش‌گرانه به‌نظر می‌رسد و پس از این که فکرهای انسانی شما نمایان می‌شود حتی روی وظیفه‌ی بزرگ شما که اعتبار بخشیدن به فا است اثر می‌گذارد. اما از آنجایی که آگاهی شما از فا بهتر شده و فکرهای انسانی شما بیشتر و بیشتر کاهش یافته، این مسائل و این جلوه‌گری‌ها کمتر حاد شده‌اند. پس چرا بحث پیش می‌آید؟ واقعاً فقط به‌خاطر این است که آن قسمت کوچک از چیزهای پاک نشده در سطح انسانی شما فعال هستند. اما وقتی افکار صالح شما به اندازه‌ی کافی قوی باشند آن قدرتی ندارد. شما همه می‌دانید که فا خوب است و این که باید از فا محافظت کنید -- شما باید آن را انجام دهید، عرضه کردن نجات به موجودات ذی‌شعور و اعتبار بخشیدن به فا -- بنابراین وقتی افکار درست شما به اندازه‌ی کافی نباشد، افکار انسانی شما با آن تداخل پیدا می‌کند. پس این باعث آشفتگی شما درست مثل یک انسان معمولی می‌شود، حتی تا نقطه‌ای که عواملی مثل این که برخی از افراد اعتقاد دارند که باید به ایده‌های خود، این یا آن، پایبند باشند را ایجاد می‌کند، بنابراین موقعیت‌هایی را به‌وجود می‌آورد که نباید میان میدان دافا نمایان شود. شما این اواخر نسبتاً خوب عمل کرده‌اید و آن ثابت می‌کند که شما بیشتر رشد کرده‌اید.

درحقیقت آیا می‌دانستید که روشن‌بینان بزرگ هم کلاً مسائل زیادی دارند که احتیاج است با یکدیگر بحث و همکاری کنند؟ بودا شاکيامونی گفت که به تعداد سنگ‌ریزه‌های رودخانه‌ی گنگ تاتاگاتاها وجود دارد. یا به شکل دیگری بیان کنیم، از بین پادشاهان فا در آسمان‌ها، خدایانی که از نوع بودا هستند به تنهایی به تعداد سنگ‌ریزه‌های رودخانه‌ی گنگ هستند. آیا آن تعداد کمی است؟ مسئله‌ای که او در موردش صحبت کرد فقط چیزی بود که او توانست در اقلیم خود ببیند. پس خدایان دیگر چگونه‌اند؟ بوداها در عالم فقط یک نوع از خدایان هستند، و تعدادشان خیلی زیاد نیست. تعداد بی‌شمار و انواع متفاوتی از خدایان وجود دارند، آن قدر زیاد که شمارش آنها ناممکن است. موجودات بی‌نهایت زیادی وجود دارند. اگر آنها می‌خواستند هنگام انجام دادن کارها با هم جر و بحث کنند مشکل بزرگی می‌شد، برای این که هر موجود روشن‌بین، مجموعه‌ی اصول خود و درک خود از دنیا را، که در داخل فای کیهان به آن روشن‌بین شده و آن را اعتبار بخشیده است دارد که مجموعه‌ی چیزهای خودش را شکل می‌دهد. به‌طور مثال بودا شاکيامونی، مجموعه چیزهای خودش "احکام، تمرکز، خرد" نامیده شد. بنابراین هر روشن‌بین بزرگ و هر موجودی در عالم مجموعه‌ی درک خود از دنیا را دارد. پس اگر آنها شروع به جر و بحث می‌کردند، آن نباید یک فاجعه باشد؟ این نوع مسائل در مکانی که آنها هستند وجود ندارد.

پس وضعیت ذهنی آنها چگونه است؟ آنها بردبار هستند، یک تحمل بی‌نهایت زیاد، ظرفیت پذیرش موجودات دیگر و به‌طور واقعی از نقطه‌نظر موجودات دیگر اندیشیدن. این چیزی است که بسیاری از شما هنوز در طی زمان تزکیه‌تان به آن نائل نشده‌اید، اما شما به‌تدریج می‌فهمید و آن را کسب می‌کنید. وقتی یک خدای دیگر ایده‌ای دارد آنها برای رد کردن آن نمی‌شتابند و با عجله ایده‌های خودشان را مطرح نمی‌کنند و آنها تصور نمی‌کنند که ایده‌های

شخصی آنها بهترین است. در مقابل، آنها توجه می‌کنند که نتیجه‌ی نهایی ایده‌های خدایان دیگر چه خواهد بود. مسیرها مختلف است، راه‌ها همه متفاوت است و حقیقت‌هایی که موجودات تأیید می‌کنند و در داخل فا به آن روشن‌بین می‌شوند نیز متفاوت است، اما نتیجه‌اش دقیقاً می‌تواند مشابه باشد. آن برای این است که آنها به نتیجه توجه دارند و اگر نتیجه‌ی ایده‌ی یک خدا بتواند به هدف برسد، اگر آن حقیقتاً نتیجه‌بخش باشد پس تمام آنها با آن موافقت می‌کنند. افکار خدایان به آن صورت است. به‌جز آن، اگر کمبودی در آن مورد وجود داشته باشد، آنها بدون قید و شرط و با آرامش به آن خواهند افزود، آن را کامل‌تر و بدون نقص می‌سازند. آنها مسائل را بدین شکل اداره می‌کنند.

میردان دافا، شما طی تزکیه کردن در دنیای انسان‌های معمولی، بر اساس فا درکی روشن از یک مسئله دارید، این که به "سود و زیان" انسان‌های معمولی وابسته نباشید. بنابراین وقتی امور مربوط به اعتبار بخشی به فا به میان می‌آید، آنجا نیز نباید در مورد این که "ایده‌های مرا بشنوید" و یا این که باید با "روش من" انجام شود پافشاری کنید. به این صورت نیست که شما فقط می‌توانید با پافشاری کردن بر انجام کارها به روش خودتان، تقوای عظیم در عالم بدست بیاورید. اگر شما ایده‌ای مناسب دارید و آن را آشکار کنید، این مسئول بودن شما در مقابل فا است و آن مهم نیست که ایده‌ی شما استفاده شود یا چگونه شیوه‌ی عمل شما به کار گرفته شود. اگر از ایده‌ی شخص دیگری همان هدف حاصل می‌شود و به ایده‌ی خودتان وابسته نباشید، بلکه در عوض در ایده‌ی او مشارکت کنید، پس خواه ایده‌ی شما به عمل درآورده شود یا نه، خدایان همه خواهند دید: "ببین او به آن وابسته نیست و می‌تواند این چنین صبور و گشاده‌فکر باشد." خدایان به چه توجه می‌کنند؟ آیا این چیزی نیست که آنها توجه می‌کنند؟ وقتی به مسائل خودتان وابسته باشید و روی آنها پافشاری کنید، در یک بن‌بست فرو می‌روید و خدایانی که از بالا می‌نگرند قادر به تحمل آن نیستند. هر چند اگر مکرراً اظهار کنید که "آن به‌خاطر دافا است" و این که "روش من خوب است و می‌توان به این یا آن هدف نائل شد" و شاید درست باشد، هنوز ما می‌خواهیم از این نوع وابستگی که بیش از حد شبیه مسائل انسان‌های عادی است اجتناب کنیم. اگر کسی واقعاً بتواند به این صورت انجام دهد، همه‌ی خدایان خواهند گفت که این شخص حقیقتاً قابل توجه است. به این شکل نیست که خدایان می‌بینند که ایده‌ی تو کارگر شده و بعد سطح تو را بالا ببرند، بلکه آنها سطح تو را فقط وقتی بالا می‌برند که ببینند آگاهی تو در این زمینه، بالاتر رفته است. در فای راستین این یک اصل است. اگر فکر کنید که، "من چنین و چنان شایستگی زیادی را به‌دست آورده‌ام، پس این یا آن برای من اتفاق خواهد افتاد"، بله در مورد یک انسان معمولی آن به این شکل کارگر است، با توجه به برخی از مشخصات به‌خصوص اصول فای کیهان یا در بعضی از موقعیت‌های به‌خصوص، امکان دارد که به این جنبه نیز توجه شود، اما رشد واقعی از رها کردن چیزها پیش خواهد آمد، نه از به‌دست آوردن آنها. (تسویق گرم)

ما شاگردان زیادی داریم که از طریق تزکیه‌ی پیوسته، به‌سرعت رشد کرده‌اند. مخصوصاً برای شما همه به‌صورت یک کل این موضوع مصداق دارد، در زمینه‌ی رشد کردن با همدیگر و همکاری با یکدیگر، بهتر و بهتر عمل کرده‌اید. اکنون ارتباط پیدا می‌کند که چگونه مسائلی را که باید درحال حاضر انجام شود، می‌توانید بهتر و پسندیده‌تر انجام دهید. از آنجا که شما میردان دافا هستید نباید به چیزهایی که نامیده می‌شود تغییرات "طبیعی"، تغییرات خارجی، تغییرات جامعه‌ی معمولی و یا خدمت‌های به‌خصوصی که کسی می‌خواهد برای ما انجام دهد، امیدوار باشید. شما خدایان هستید و شما حکم‌فرمایان آینده‌ی کائنات هستید، روی چه کسی حساب می‌کنید؟ همه‌ی موجودات امیدشان را به شما بسته‌اند! (تسویق) آن واقعاً همین‌طور است. واقعیت عالم در آینده‌ی نزدیکی جلوه‌گری خواهد کرد و ما در مورد این که چگونه خوب یا بد انجام داده‌ایم جواب‌گو خواهیم بود. چگونگی انجام دادن مسائل قانون همیشگی خواهد شد. تا زمانی که این موضوع به‌پایان نرسیده، هنوز هم فرصتی وجود دارد. هر کدام از ما مسیر خود را طی خواهیم کرد و میوه‌ی حقیقت خود را به کمال خواهیم رساند. در آینده میردان دافا قادر خواهند بود ببینند که آیا در این مسیر اعتباربخشی به فا و نجات موجودات ذی‌شعور به‌خوبی عمل کرده‌اند. حتی چیزهای کوچکی که در جایی در طول روندتان در اصلاح-فا اتفاق افتاده است را به‌طور واضح خواهید دید. البته اهریمن و موجودات پلید قادر نیستند آینده را

ببینند. آن موجودات ذی‌شعوری را که شما نجات داده‌اید و همین‌طور موجودات زنده‌ای که توانستند از طریق آشکارسازی حقیقت شما چیزهایی را ببینند، آنها هم بزودی شاهد آن صحنه‌ی باشکوه به کمال رسیدن شما خواهند بود. (تسویق) آن قطعاً آشکار و باشکوه خواهد بود.

البته، اخیراً در بین مریدان دافای ما مسائلی اتفاق افتاده است. مسائل بسیار زیادی وجود دارد که استاد واقعاً نمی‌تواند برای شما تعریف کند—مخصوصاً در طی این دوره. به دلیل این که قدرت‌های کهن بر آن باورند که اگر برای شما تعریف کنم، پس آنها هم باید مسائل را برای شما مشکل‌تر سازند. به همین جهت قبلاً حتی در مورد مسئله‌ی همکاری شما با یکدیگر صحبتی نکرده‌ام، وقتی شما صحیح انجام دادن همکاری را شروع کردید ما در موردش بحث کردیم و حالا می‌توانید از عهده‌ی آن به‌خوبی برآید و شما به‌تدریج متوجه آن شده‌اید.

عده‌ای از مریدان ما زبناً می‌گویند "من برنامه‌ریزی‌های نیروهای کهن را نمی‌پذیرم." در موقعیت‌های مهمی نسبتاً خوب اجرا می‌کنند. ولی در شرایط عادی احتمالاً افکار درست آنها کاهش می‌یابد و وقتی افکار درست آنها به حد کافی نیست ممکن است دچار مشکل شوند. مسلماً منظور من در مورد همه نیست، حرف من درباره‌ی تعداد خیلی کمی از افراد است. تعداد آنها بسیار کم است. این به چه ارتباط پیدا می‌کند؟ آن نیروهای کهن در طی تاریخ مقدار بسیار زیادی از مسائل را به‌طور خیلی اساسی و پیچیده‌ای برنامه‌ریزی کردند. برای تضمین این که مورد اشتباهی در آن پیش نیاید در زمین قبلی یک سری آزمایش را برنامه‌ریزی کردند. به آن فکر کنید چگونه می‌توانند از انجام دادن آن اجتناب کنند؟ آنها به چه طریقی می‌توانند کاری را که می‌خواستند انجام دهند رها کنند؟ اما اگر افکار درست ما واقعاً قوی باشد در آن موقع ما با قانونی که در کائنات وجود دارد در یک مدار قرار داریم، این قانون در هر دو، هم کائنات قدیم و هم در کائنات جدید معتبر است: انتخاب هر موجودی به خود او ارتباط دارد، حتی اگر او نوعی پیمان در تاریخ بسته باشد. در لحظات بحرانی هنوز هم انتخاب راه به خود او بستگی دارد. این در جنبه‌های مثبت و منفی هر دو اعمال می‌شود—برای هر دو، این‌طور است.

به بسیاری از مریدان، در طی روند تزکیه‌شان در گذشته، از طرف نیروهای کهن مأموریت داده شد که بیایند و مزاحمت ایجاد کنند یا نقشی منفی ایفا کنند. اما آنها از آن کناره گرفتند و افکار درست خود را ضمن تزکیه کردن متعالی کردند و آنها دیگر نخواستند آن را انجام دهند و مریدان واقعی دافا شده‌اند. اما عکس‌العمل عده‌ای کمی بد بود و بدین ترتیب بوسیله‌ی نیروهای کهن رهبری شدند و باعث گردیدند که بسیاری از مسائل غیرمنتظره اتفاق بیفتد. چیزی که می‌خواهم بگویم در مورد آن گروه نیست بلکه حوادثی است که جدیداً برای مریدان حقیقی دافای ما اتفاق افتاده است. این‌ها البته مسائل استثنایی هستند، اما شما همگی آن موارد را می‌شناسید و درباره‌ی آن اندیشیده‌اید. حقیقت آن است که تعدادی از شما در طی تاریخ به‌دفعات مکرری بازپیدایی یافته‌اید، زمانی که شما در آن جوامع بشری بودید و در اوها هم گم شده بودید حتماً با نیروهای کهن پیمانی بسته‌اید، "در طی دوره‌ی اصلاح—فا چنین و چنان می‌کنم و یا در روز به‌خصوصی آن مسیر را می‌پیمایم." در آن زمان بر طبق اصول فای کهن کاملاً درست بود، پس بعضی از شما مریدان پیمان‌هایی به این صورت نوشته‌اید و این دلیل آن است که چرا گاه‌گاهی مسائلی میان مریدان دافای ما اتفاق می‌افتد. هدفی که در پس این مشکلات وجود دارد اینها است: نیروهای کهن فکر می‌کنند که تعدادی از مریدان براین تصورند که وقتی آنها یک بار دافا را تزکیه می‌کنند، پس دیگر چیزی برای نگرانی وجود ندارد و به خود می‌گویند، "تا وقتی که من مرید دافا هستم هیچ خطری به هیچ شکلی برای من وجود ندارد." بنابراین آنها این را دیدند و فکر کردند: "ما نمی‌توانیم این را مجاز بدانیم. آیا این گرفتن نوعی بیمه نیست؟ زمانی که آنها دافا را فرا می‌گیرند در مورد هیچ چیزی نگران نیستند. آیا این به خودی خود وابستگی بسیار بزرگی نیست؟" بنابراین آن نیروهای کهن مشکلاتی را در دافا به‌وجود آوردند. این مسائل این‌گونه پدیدار شدند. اما وقتی آنها مشکل ایجاد کردند، چرا بدن‌های قانون بی‌شمار استاد و خدایان بی‌شماری که از فای نگرانی می‌کنند کاری در این مورد انجام ندادند؟ این به

دلیل این است که عده‌ای از مریدان دافای ما با آن نیروهای کهن پیمانی را خیلی قبل در طی تاریخ بسته‌اند، پس نیروهای کهن بسیار شدید به این نکته پایبندند و رها نمی‌کنند.

ولی آن به این صورت نیست که نتوانید از آن رهایی یابید. همان طوری که اخیراً گفتم، حتی اگر زمانی در طی تاریخ واقعاً پیمانی بسته‌اید اگر امروز افکار درست‌تان واقعاً قوی باشد، اگر آن‌را انکار کنید و در شرکت نکردن در آن پافشاری کنید، پس درحقیقت می‌توانید از آن کناره‌گیری کنید. اما تحمل یک چنین موردی برای‌تان نسبتاً مشکل است. چیزی که سخت است این است که نیروهای کهن خیلی آسان رهایتان نمی‌کنند، بنابراین سعی می‌کنند از نقطه ضعف‌های‌تان سوء استفاده کنند، زمانی که فقط اندکی منحرف شوید از موقعیت استفاده می‌کنند. بنابراین زمانی که افکار درست‌تان واقعاً قوی باشند آنها نمی‌توانند نفعی ببرند و این به این دلیل است که دافا در اصلاح-فنا برنامه‌ریزی‌های نیروهای کهن را به رسمیت نمی‌شناسد. و من به‌عنوان استاد شما آنها را به رسمیت نمی‌شناسم. البته هر کدام از مریدان دافای ما نیز می‌گویند که من برنامه‌ریزی‌های نیروهای کهن را قبول ندارم، اما این چیزی نیست که فقط بگویید-- شما باید شرایط دافا و اصلاح-فا را دنبال کنید. "من مطلقاً هیچ یک از آن چیزهایی را که شما نیروهای کهن در گذشته برنامه‌ریزی کردید به رسمیت نمی‌شناسم. من حتی شما را به رسمیت نمی‌شناسم." وقتی افکار درست شما واقعاً قوی باشد می‌توانید آنها را پاک‌سازی کنید و برنامه‌ریزی‌های‌شان را رد کنید. (تشیویق) و این بدین خاطر است که ما مطلقاً نمی‌توانیم آنها را به رسمیت بشناسیم.

موجودات عالم چگونه قادرند برای آینده‌ی خود برنامه‌ریزی کنند؟ آن اصلاً اجازه داده نمی‌شود. شما در آینده از این قانون آگاه خواهید شد. کائنات چگونه خلق شد؟ آن فقط بوسیله‌ی یک فکر یک موجود روشن بین فای بزرگ خلق شد. (تشیویق) یک فکر آن روشن بینان بزرگ در سطوح مختلف، کائنات در سطوح مختلف را خلق کرد. تصور کنید که فقط بعد از این یک فکر که کائنات را خلق کرد موجودات درون آن می‌گفتند، "مرا به این صورت خلق نکن، تو باید مرا به این صورت یا آن صورت بیافرینی." آیا آنها می‌توانند تعیین تکلیف کنند؟ نه نمی‌توانند. آن موجودات در حقیقت در چشم آن خدایی که بوسیله‌ی فکر او آفریده شده‌اند بی‌ارزشند. اما آن روشن بینان بزرگ، خدایانی که موجودات را خلق کردند، آنها باید کاملاً با استاندارد خدایی برابری کنند و با استاندارد فا مطابقت کنند، آنها باید دارای بالاترین نیک‌خواهی و خیرخواهی باشند. بنابراین کیهان‌هایی که آنها خلق کردند باید خارق‌العاده باشد. فکری که آنها می‌آفرینند پاک و فوق‌العاده هستند. این دلیل آن است که چرا این مسئله که یک موجود مطابق استاندارد موجودات کیهان در سطوح خاصی باشد بی‌نهایت مهم است. پس به‌عبارت دیگر، ما نمی‌توانیم برنامه‌هایی را که آن نیروهای کهن برای ما ریخته‌اند به رسمیت بشناسیم، بدون توجه به این که آنها چه کرده‌اند، زیرا آنها نیز خودشان درخور نجات یافتن هستند، ولی فقط [این طور است که] انتخاب کرده‌اند که پاک‌سازی شوند. چطور کسی که می‌خواهد نجات یابد می‌تواند تعیین کند که چگونه نجات یابد؟ مثل این که کسی درون آب بیفتد و کسی سعی کند که نجاتش دهد اما او بگوید: "تو نمی‌توانی مرا مستقیماً با دست‌هایت نجات دهی. من دوست دارم که مرا بوسیله‌ی یک قایق نجات بدهی." چطور می‌تواند به این صورت باشد؟

قسمتی از مسائلی که اخیراً اتفاق افتاد دلایل تاریخی دارد. من این‌ها را قبلاً برای شما نگفتم برای این که نمی‌خواستم در شما وابستگی به وجود بیاید و از خود بی‌رسید، "وابستگی من به آن نیروهای کهن چیست؟" هیچ کدام از شما نباید به آن فکر کنید. این مورد خیلی نادر است و آن هدف در آن زمان بسیار خوب بوده، آن برای فا بود. این دلیل آن است که چرا آن مریدان دافا به همان شکل به کمال رسیده‌اند (تشیویق)، و در سطوحی بی‌نهایت بالا (تشیویق) این دلیل آن است که چرا این مسائل رخ داد. بنابراین مطالعه‌ی فا بی‌نهایت مهم است. افکار درست شما و تمام چیزهایی که کسب می‌کنید از فا است، پس بدون توجه به این که چقدر گرفتارید، در مطالعه‌ی فا سهل‌انگاری نکنید.

این تمام چیزی است که من می‌گویم. برای این که دو روز قبل وقتی با مریدانی که با پروژه‌ی تلویزیون کار می‌کنند ملاقات داشتم تا اندازه‌ای برای آنها صحبت کردم. آنها سؤالات زیادی را به نمایندگی از شما مطرح کردند. پس امروز سؤالات را برای شما جواب نخواهم داد. قصد دارم از آنها بخواهم مطالب شنیداری ضبط شده در آن روز را پردازش کنند و پس از اینکه آنها را بررسی کنم، منتشر خواهم کرد. سؤالاتی که آنها آن روز مطرح کردند سؤالات رایج شما هستند، تماماً سؤالاتی بود که شما می‌خواهید بدانید و حل‌شان کنید. این تمام چیزی است که می‌گویم. متشکرم (تشویق).

آینده‌ی مریدان دافا بدون تردید روشن است— قطعاً روشن خواهد بود. (تشویق طولانی)

۱- از شعر معروف شاعر سلسله‌ی تانگ، لی بای